

معاونت زنان خیابانی در جرایم جنسی و نسبت آن با قوادی،
با محوریت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
محمود قیومزاده*

سیدپیمان موسوی موگویی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

جرم قوادی از جمله جرایمی است که علاوه بر ارتباط مستقیم با هتک عفت عمومی و از بین بردن اخلاق انسانی، زمینه ایجاد جرایم متعددی را فراهم می‌کند. بنابراین، شناخت زمینه‌های به وجود آمدن آن و فراهم نمودن مقدمات و از بین بردن این جرم حائز اهمیت فراوان است. از جمله زمینه‌های مهم و اساسی جرم قوادی، وجود زنان خیابانی می‌باشد که در این میان، شناخت پدیده زنان خیابانی و ارتباط آن با جرم قوادی که خود می‌تواند زمینه‌ساز جرایم متعددی به نحو تصاعدی باشد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. از این رو، در پژوهش حاضر به بررسی وجود زنان خیابانی و فعالیت‌های آنها به عنوان زمینه‌ساز تحقق جرم قوادی و ناهنجاری‌های اجتماعی مرتبط با آن پرداخته شده است؛ چراکه شناخت چگونگی فعالیت‌های زنان خیابانی، پاسخ بدین پرسش خواهد بود که آیا رفتار آنها مشمول جرم قوادی می‌باشد یا خیر؟ همچنین، این که اساساً قوادی جرمی جدا از سایر جرایم جنسی مرتبط می‌باشد یا خیر، نیاز به کاوش و بررسی پژوهشی دارد و باید ابهامات آن را برطرف نمود.

واژگان کلیدی: جرایم جنسی زنان، معاونت در جرم، قیادت، زنان خیابانی.

*استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

maarefteacher@yahoo.com

**گارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه (نویسنده مسؤول).

peyman.mosavi95@gmail.com

مقدمه

یک خانواده نیکو می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی را برای اعضای آن به ارمغان بیاورد. حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: خداوند به موسی وحی کرد که من به فلان کس خیر دنیا و آخرت بخشیدم و آن همسری صالح است (محدث نوری، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص ۱۶۹).^۱ مادامی که زن در خانواده و در محیطی دور از هرگونه فساد اجتماعی به ایفای نقش می‌پردازد، بر همین مبنا دولت موظف است حقوق وی را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین و زمینه‌های لازم در جهت احیای حقوق مادی و معنوی او را ایجاد نماید و در دوران بارداری از وی حمایت به عمل آورد (اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی) تا او بتواند مسؤلیت خود را در پرورش انسان‌های دیگر انجام دهد. لذا هنگامی که زن به دلایل متعددی نظیر طلاق‌های عاطفی و تنگدستی و ... نتواند مسؤلیت خود را ایفا کند باعث به وجود آمدن انحرافات اجتماعی می‌شود که کیان خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد. از سوی دیگر چنین انحرافات علاوه بر این که سلامت اخلاقی و روانی افراد خانواده را مورد تهدید قرار داده و اعضای خانواده را به سوی ارتکاب جرایم علیه عفت عمومی سوق خواهد داد و باعث فروپاشی خانواده نیز می‌گردد. بنابراین، ضرورت پرداختن به این موضوع مبتنی بر چند دلیل است که از مهمترین این دلایل می‌توان به دو مورد اشاره کرد:

اولاً، از منظر مباحث حقوق جزا، در فصول مربوط به جرایم علیه عفت عمومی و اخلاق حسنه چندان به موضوع مورد بحث پرداخته نشده و در تحولات قانونگذاری نیز این موضوع تا حدود زیادی نادیده گرفته شده است.

ثانیاً، از نظر اجتماعی نیز جرایم فوق به نحو مخاطره‌آمیز و مشهودی گسترش یافته است و اگرچه به لحاظ کمی نمی‌توان این جرایم را دارای عدد و رقم بالایی در ایران دانست لکن با توجه به این که تکنولوژی و ارتباطات در شیوع انواع اعمال مجرمانه فوق در سطح جهانی مؤثر بوده است لذا همین امر نیز بایدها و نبایدهای اخلاقی و مرزهای حقوق شهروندی را برهم زده است و ضرورت دارد که با نگرش دوباره به این موضوعات، به تبیین مرزهای اخلاقی و حریم‌های مجاز و ممنوعه بپردازیم و با بررسی‌های عمیق،

۱. «وحي الي موسى الي اعطيت فلاناً خير الدنيا و الاخرة و هي امرة صالحه».

نواقص مربوط به جرایم علیه عفت عمومی را به خوبی نشان داده و درصد رفع آنها برآییم و به مقابله با جرایمی مانند قاچاق زنان و توزیع و توسعه اشیا که موجب ابتذال اخلاقی و فرهنگی جامعه می‌شوند و از تشکیلات نسبتاً سازمان‌یافته‌ای هم برخوردار می‌باشند بپردازیم.

این نوشتار با هدف بررسی علمی، عملی و کاربردی معاونت زنان خیابانی در جرایم جنسی، در نظر دارد تا نسبت آن را با قوادی و با نگاهی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد واکاوی قرار دهد. از جمله اهداف علمی این تحقیق می‌توان به بررسی تعارضات میان آرای فقها در زمینه قوادی، بررسی معاونت زنان خیابانی به عنوان شروع به جرم، بررسی تعارضات میان قوادی و معاونت در جرم و در پایان به نقش مردان و زنان در شیوع این جرم اشاره کرد. همچنین، اهداف عملی این پژوهش عبارتند از رفع تعارضات میان قوانین، روشن شدن ابهامات و رفع تعارضات میان آرای فقهای شیعه، اصلاح بزهکاران این‌گونه جرایم، پیشگیری از جرایم علیه عفت عمومی و ارائه راهکارهایی در این جهت. از جمله اهداف کاربردی این تحقیق نیز این است که بتواند به نتایجی دست پیدا کند که اولاً پلیس امنیت اخلاقی با استناد به آن از شیوع این جرم پیشگیری به عمل آورد؛ چراکه این جرم سابقه‌ای طولانی در تاریخ دارد و جزء جرایم ارگانیک محسوب می‌گردد و ثانیاً با تقویت واحدهای مددکاری اجتماعی بتوان در جهت پیشگیری از شیوع این جرم گام برداشت و راهکارهای مؤثری ارائه نمود تا دخترانی که اعتیاد خاصی به این جرم دارند نجات یابند.

۱. جرایم جنسی و اعمال منافی عفت

قانونگذار، جرم علیه عفت عمومی و اخلاق حسنه را تعریف نکرده و تنها به ذکر مصادیق این جرم بسنده نموده است و در متون جزایی ناظر به این جرایم نیز اشاره‌ای به تعریف رفتار فیزیکی مجرمانه بر ضد امنیت اشخاص صورت نگرفته است. بنابراین، برای بیان تعریف این جرایم لزوماً باید اعمال و رفتار و روابط جنسی ناشی از علاقه و تمایل دو نفر به یکدیگر در چهارچوب موازین اخلاقی متعارف اکثریت افراد جامعه که معمولاً مجاز و مشروع قلمداد می‌شود مورد ارزیابی قرار گیرد. بر این مبنا، هرگاه روابط بین زن و مرد در خارج از حد و مرز متعارف ارزش‌های پذیرفته شده در جامعه برای ارضای تمایلات جنسی صورت گیرد قانوناً جرم علیه عفت و اخلاق عمومی تلقی خواهد شد و از این منظر

می‌توان گفت که جرم منافی عفت و اخلاق عمومی عبارت است از هرگونه روابط جنسی ناشی از تمایل زن و مرد به یکدیگر که از حد و مرز متعارف جامعه فراتر باشد به نحوی که جامعه نتواند آن را مهار کند بلکه به عنوان یک عمل ضد عفت و اخلاق عمومی مستحق مجازات باشد (آخوندی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵).

با توجه به عناوین جرایم مذکور در کتاب دوّم حدود به شرح مندرج در مواد ۲۱۷ الی ۲۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و همین‌طور عناوین مجرمانه در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به شرح مندرج در مواد ۶۳۷ الی ۶۴۱ و ۷۰۱ الی ۷۱۴ ق.م.ا (تعزیرات)، مطالب این مبحث در دو بخش به ترتیب زیر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. اعمال منافی عفت و اخلاق حسنه مستوجب تعزیر

بررسی جرایم علیه عفت عمومی و اخلاق حسنه یکی از مواردی است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بخش تعزیرات به شرح مندرج در ماده ۸۶۳ الی ۸۶۷ را به خود اختصاص داده و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و علاوه بر آن، بیشتر مرتکبین و قربانیان این جرایم را زنان و نوجوانان تشکیل می‌دهند.

باید گفت که اگر نواقص مربوط به جرایم علیه عفت عمومی و مصالح خانواده به خوبی شناخته و مرتفع گردند مقابله با جرایمی همچون قاچاق زنان و ... که موجب ابتدال جامعه و فرهنگ عمومی است مهار خواهد شد.

جرایم علیه عفت عمومی و اخلاق حسنه، بقای خانواده را تهدید می‌کند و جرایم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی، روابط داخلی افراد خانواده را مورد هتک قرار خواهد داد. این گروه از جرایم، به جهت این که زیرمجموعه جرایم علیه خانواده می‌باشند اگرچه اجتماع را متضرر و مسؤولین قضایی را به جای اهتمام به حفظ امنیت اموال و نفوس مردم، به مقوله عفت عمومی متوجه می‌نمایند ولی به هر جهت موجب رنج و مرارت خانواده‌ها می‌شوند و پیامدهای آنها سلامت اخلاقی جوانان جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد و ارتباط بین زوجین با یکدیگر و فرزندان با والدین را مخدوش می‌کنند.

۲-۱. اعمال منافی عفت و اخلاق حسنه مستوجب حد

۱-۲-۱. زنا

در این خصوص، نظر حقوقدانان به اتفاق این است که جماع مرد با زنی که علقه زوجیت

بین آنها وجود ندارد و از موارد وطی به شبهه هم نباشد زنا محسوب می‌شود و جماع، با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قبل یا دبر زن محقق می‌گردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۷۰).

در تعریف فقهی زنا نیز گفته شده است: «جماع غیر مشروع خواه در جهت آلت تناسلی باشد خواه نه بر تحقق زنا، علاوه بر عنصر عدم مشروعیت واقعه و عمد، شرط است که زانی بالغ باشد، اگرچه طرف او نابالغ باشد و شرط است که زانیه نابالغ باشد اگرچه طرف او نابالغ باشد و زانی عاقل باشد ولو این که طرف عاقل نباشد و زانیه عاقل باشد اگرچه طرف او نابالغ باشد و زانی عاقل باشد. شرط است دخول به قدر حشفه باشد و همچنین علم به جرم بودن زنا شرط تحقق این جرم است» (خمینی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۹).^۱ مرحوم شهید اول نیز در کتاب لمعه دمشقیه بیان می‌دارد: «زنا آنست که مرد آلت مردانگی خود را به مقدار ختنه‌گاه داخل فرج زنی که به او حلال نیست بکند. یعنی نه او را عقد دائم کرده و نه موقت و ملکیت او شبیه هم نیست، بلکه آگاه به عمل خود باشد» (مکی عاملی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۱۹).

۱-۲-۲. لواط

عنوان «لواط» که برای معرفی رفتار فیزیکی ناشی از میل جنسی بین دو مرد استعمال می‌شود، یکی از انحرافات جنسی است که از قدیم‌الایام در جوامع مختلف وجود داشته و همواره به عنوان یک عمل شنیع مورد تنفر و انزجار مردم و قابل کیفر تلقی می‌شده است و اصطلاح Homosexual به معنی تمایل به همجنس خویش اعم از زن یا مرد، یکی از قدیمی‌ترین انحرافات بشری می‌باشد که مورد نکوهش قرار گرفته و مستوجب مجازات شدید بوده است، چنانکه در باب نوزدهم تورات بیان شده است همجنس‌بازی مردان به نام لواط، مشتق از عمل قوم لوط است که آن حضرت علی‌رغم پند و اندرز و دستورات مؤکد مبنی بر ممنوعیت لواط و زیان‌های ناشی از این عمل شنیع، آن قوم حاضر به پذیرش نشدند و مورد قهر الهی قرار گرفتند و آنان بر اثر بارش گوگرد و آتش، با جمیع سکنه آن از بین رفتند.

برخی فقها نیز در باب لواط عنوان داشته‌اند: «لواط، جمع شدن با مرد می‌باشد به طوری

۱. «اول فی الحد الزنا و هو ایلاج البالغ فی فرج امرأة محرمة من غیر عقد و لا ملک لا شبیه قدر الحشفة عالمأ مختاراً».

که فرد مختار است و دارای شرایط عامه تکلیف می‌باشد» (مکی عاملی، ۱۳۷۳ ش، ج ۲، ص ۲۲۸).^۱ حضرت امام خمینی (ره) نیز لواط را این‌گونه تعریف می‌کند: «وطی انسان مذکر است به دخول و غیره و چنین جرمی ثابت نمی‌شود مگر با ۴ بار اقدام مجرم که یا فاعل است یا مفعول و یا به شهادت ۴ نفر مرد جامع شرایط قبول به طریق مشاهده یعنی چهار نفری که عدالت و سایر شرایط قبولی شهادت را دارند، شهادت دهند» (خمینی، ۱۳۷۰، ص ۳۴۲).

قانونگذار نیز به صراحت در ماده ۲۳۳ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ این عمل را جرم‌انگاری نموده است و بیان می‌دارد که «لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است».

۱-۲-۳. مساحقه

قانون مجازات اسلامی مساحقه را به عنوان همجنس‌بازی زنان با اندام تناسلی معرفی نموده است. قانونگذار به صراحت در ماده ۲۳۸ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ این عمل را جرم‌انگاری نموده است و بیان می‌دارد که «مساحقه عبارت است از این که انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد». از دیدگاه نگارنده نیز مساحقه عبارت است از هم‌آغوش شدن دو زن به منظور کسب و ارضای لذت شهوانی از طریق برقراری تماس با یکدیگر با اندام تناسلی.

۱-۲-۴. قوادی

۱-۴-۲-۱. تعریف قوادی

یکی دیگر از جرایم موجب حد در نظام حقوقی اسلام جرم قیادت یا قوادی است که قانونگذار در ماده ۲۴۲ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ آن را این‌گونه تعریف نموده است: «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است». قانون مجازات اسلامی به دلیل این که بر اساس فقه اسلامی تدوین شده است در تعریف جرایم نیز بیشتر از نظر مشهور فقها پیروی می‌نماید. مثلاً ماده ۱۳۵ ق.م.ا.مصوب سال ۱۳۷۰ بیان می‌داشت: «قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط». طبعاً

۱. «فمن اقدّ بايقاب ذکر مختاراً اربع مرأت».

حقوقدانان هم به همین تعریف اکتفا نموده و اندکی در شرح، تفسیر و احیاناً نقد آن قلم‌فرسایی کرده‌اند. لکن آنچه که بدان توجه نشده و تنها گاهی اوقات در برخی از نشریات آن هم از ابعاد غیر حقوقی به آن پرداخته شده است پدیدهٔ قاچاق زنان یا همان قوادی (به شکل سازمان یافته) می‌باشد.

۱-۲-۲-۴. عناصر تشکیل‌دهنده جرم قوادی

۱-۲-۲-۲-۱. عنصر قانونی جرم قوادی

ماده ۲۴۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ جرم قوادی را در زمرهٔ جرایم حدی احصا نموده است و بیان می‌دارد: «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است. تبصره ۱- حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیر این صورت عامل، مستوجب تعزیر مقرر در ماده (۲۴۴) این قانون است. تبصره ۲- در قوادی، تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست.»

۱-۲-۲-۲-۱. عنصر مادی جرم قوادی

طبق تعریفی که در ماده ۲۴۲ قانون فوق‌الذکر از جرم قوادی به عمل آمده است، عنصر مادی قوادی را می‌توان به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا و یا لواط دانست. البته بر خلاف حدود دیگر مانند زنا که فقها عنصر مادی آن را با دقت بیان نموده‌اند، در مورد قوادی این کار صورت نگرفته است؛ یعنی عنصر مادی جرم قوادی که در فقه به صورت جمع کردن چند نفر برای زنا یا لواط ذکر شده است چندان روشن نیست، به‌ویژه در عصر حاضر که بخش قابل توجهی از رسانه‌های عمومی جهان در قالب برنامه‌های تلویزیونی، مجلات و تولید فیلم‌ها و تبلیغات، زمینهٔ هزاران گردهمایی و جشن به منظور انجام روابط نامشروع را فراهم می‌کنند نمی‌توان عنصر مادی این جرم را به سادگی تعریف نمود.

۱-۲-۲-۲-۱. عنصر معنوی جرم قوادی

مانند سایر جرایم حدی، جرم قوادی نیز برای تحقق نیاز به دو اصل سوء نیت عام و سوء نیت خاص دارد.

الف) سوء نیت عام: در سوء نیت عام، مرتکب در انجام فعل باید علم و عمد داشته باشد. در این صورت، فردی که چند نفر را به قصد انجام اعمال منافی عفت دیگر مثل مساحقه یا تفخیز نیز جمع نموده باشد باز هم نمی‌توان برای وی جرم قوادی را متصور

شد، هرچند این عمل از نظر شرعی مردود و مستحق مجازات است. (ب) سوء نیت خاص: در این نوع سوء نیت، مرتکب باید قصد به نتیجه در انجام فعل داشته باشد. بنابراین، هرگاه شخصی دو یا چند نفر را برای اعمالی غیر از زنا یا لواط به هم برساند جرم قوادی برای وی متصور نیست.

۲. معاونت در ارتکاب جرم

یکی از اشکال معاونت در جرم، به صورت همکاری و مشارکت با سایر بزهکاران می‌باشد و چنانچه همکاری و مشارکت بدون تبانی و تفاهم قبلی در ارتکاب جرم باشد با فقدان نص قانونی خاص، هر یک از مشارکت‌کنندگان به میزان مسؤلیت کیفری ناشی از رفتار مجرمانه رأساً و شخصاً قابل تعقیب و محاکمه می‌باشند.

چنانچه ارتکاب اعمال مجرمانه توسط افراد معینی از دسته و جمعیت ثابت شده باشد، هر یک از افراد، مسؤول رفتار مجرمانه خود بوده و مستوجب کیفری می‌باشند که برای شخص مباشر تعیین شده است. لذا در جرایم حدی مانند زنا یا لواط که به صورت همکاری و مشارکت سایر بزهکاران رخ می‌دهد، گاهی یک فرد با تبانی با یک یا چند نفر دیگر مبادرت به جرم زنا یا لواط می‌کند. در این صورت، گاهی اوقات افرادی در پشت پرده، وقوع این جرم را تسهیل می‌کنند و در پناه امن قانون قرار گرفته و هیچ‌گونه مجازاتی برای ایشان در نظر گرفته نمی‌شود و با سرمایه‌های کلان در طریق نامشروع موجب فسادهای محیطی می‌شوند. لذا قانونگذار به موجب ماده ۶۱۰ ق.م.ا (تعزیرات) مقرر داشته است: «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد». از این ماده قانونی می‌توان به‌طور ضمنی دریافت که اجتماع و تبانی افراد برای ارتکاب جرم هم مصداقی از معاونت در جرایم محسوب می‌شود. لذا در جرایم حدی، معاونت به صورت مجزا احصا شده است.

۲-۱. معاونت در جرم از منظر قانونگذار

به‌طور کلی نمی‌توان تعریف دقیقی از معاونت مد نظر قانونگذار ارائه نمود؛ چراکه در قوانین جزایی، معاونت در جرایم به صورت مصداقی احصا شده است، به‌طوری که ماده

۱۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد. ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد. پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود».

۲-۲. معاونت در جرم از دیدگاه حقوقدانان

برخی از حقوقدانان، معاونت را این‌گونه تعریف می‌کنند: «معاون در جرم کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالت نداشته، بلکه به طریق ترغیب یا دسیسه یا فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیلات وقوع جرم و یا ارائه طریق در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری و دخالت داشته باشد» (گلدوزیان، ۱۳۷۰، ص ۲۱۳).

در تعریف دیگری نیز آمده است: «علاوه بر شرکاء جرم ممکن است افراد دیگری هم باشند که مباشر یا شرکاء در جرم را در انجام عمل مجرمانه معاونت و مساعدت کنند و اینها کسانی هستند که مرتکب عمل مجرمانه نمی‌شوند ولی به یکی از صورت‌هایی که در قوانین جزایی پیش‌بینی شده است مجرم یا مجرمین را در ارتکاب جرم کمک می‌نمایند و این افراد معاون در جرم هستند» (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۳۲).

همچنین گفته شده است: «معاونت در جرم یعنی تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم و فراهم کردن وسایل و یا ارائه طریق یا تسهیل آن» (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۹).

به عقیده نگارنده، معاون در جرم به رفتار کسی اطلاق می‌شود که در عملیات اجرایی جرم نقشی نداشته و کلیه مراحل مقدماتی جرم به عهده او است که به طریق اولی می‌تواند وقوع جرم را آسان نماید. حال آن که از تعاریف حقوقدانان درمی‌یابیم که به طریقی به تفسیر ماده ۱۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که به‌طور مصداقی معاونت در جرایم را مشخص می‌کند می‌پردازند.

۲-۳. عناصر تشکیل دهنده جرم معاونت

ماده ۱۲۶ قانون فوق‌الذکر، اشخاصی را که مرتکب رفتارهای مد نظر این ماده شوند معاون در جرم تلقی می‌نماید؛ حال آن که در این قانون، معاونت در جرم، مستوجب مجازات تعزیری می‌باشد و معاونت در جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیات مشخص نگردیده است. لذا به‌طور ضمنی می‌توان دریافت که معاونت در جرایم حدی به‌طور مجزا جرم‌انگاری شده‌اند و قانون در مواد مشخصی طی قوادی از آن یاد می‌کند و در جرایم قصاص یا قتل هم می‌توان دید که قانونگذار معاونت در قتل را به‌طور مجزا جرم‌انگاری و بیان نموده است.^۱

۲-۳-۱. عنصر قانونی جرم معاونت

ماده ۱۲۶ قانون پیش‌گفته نه تنها مصادیق معاونت در جرم را مشخص کرده است بلکه با توجه به شرایط، مرتکب را قابل تعزیر می‌داند و قید این نکته حاکی از آن است که معاونت در جرم زمانی قابل مجازات است که اصل عمل ارتكابی جرم باشد. بنابراین، معاونت در جرم در صورتی قابل تعزیر است که جرم دیگری وجود داشته باشد و معاون طبق مصادیق تعیین شده توسط قانون، مرتکب اصلی را یاری و مساعدت نماید.

لازم به ذکر است که مجازات معاونت در جرم تنها وقتی امکان‌پذیر است که برای اصل عمل ارتكابی مجازاتی تعیین شده باشد؛ مثلاً در قوانین جزایی ما خودکشی جرم شناخته نشده است و به تبع آن، معاونت و همکاری برای ارتكاب این عمل هم جرم شناخته نمی‌شود. حال، اگر به این نظر حقوقدانان معتقد باشیم بنابراین، هنگامی که یک فرد در محیط دانشگاه، پسر و دختری را با هم آشنا می‌کند، تا هنگامی که این رابطه نامشروع به همبستر شدن منتهی نشود معاونت در این جرم تلقی نمی‌شود.

در این خصوص یک نظریه می‌گوید که معاونت در جرایم را باید مطلقاً وابسته به جرم اصلی بدانیم؛ یعنی در اعمال مجازات مانند مجرم اصلی بتوانیم آن را مجازات کنیم که در این طریق، جرم معاون را از مجرم اصلی یا مباشر جرم استعاره گرفته‌ایم که در حقوق جزا به نظریه «مجرمیت استعاره‌ای» نام‌گذاری شده است. لذا در تفسیر این نظریه باید گفت

۱. ماده ۲۰۷ ق.ا.م.صوب ۱۳۷۰ بیان می‌داشت: «هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شود».

که معاون، یک جرم مستقل انجام نداده است بلکه به تبع مباشر یا شرکای در جرم می‌تواند شناخته شود» (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۳۴).

نظریه دیگر آن است که وقتی چند نفر در ارتکاب جرمی مداخله می‌کنند چون به تعداد شرکت‌کنندگان، جرایم مستقل پیدا می‌شود پس مسؤولیت کیفری هر یک از مداخله‌کنندگان مجزا از دیگری است. لذا باید معاونت را جرمی مستقل و جدا از جرم اصلی بدانیم و باید آن را کیفری مستقل و متناسب بدهیم. این نظریه بر این استدلال استوار است که باید به شخصیت خطرناک مجرم نظر افکند و مجازات معاون صرف‌نظر از مجازات اصلی یا اقدام تأمینی که تعیین می‌شود باید متناسب با خطری باشد که آن شخص (یعنی معاون جرم) برای اجتماع دارد. در نتیجه، این نظریه به عنوان نظریه «مجرمیت مستقل» در حقوق جزا معروف شده است (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۳۶). بنابراین، قبول این نظریه به جهت این که عملاً مسئله معاونت در ارتکاب جرم را از بین خواهد برد مورد انتقاد قرار گرفته است ولی رهاورد آن باعث شده است که در بعضی از قوانین جزایی از جمله قانون مجازات اسلامی، برخی از طبقات معاونین جرم خاص مستقل، قابل مجازات شناخته شوند. با این وجود، قانونگذار از نظریه «مجرمیت استعاره‌ای» استقبال کرده و آن را پذیرفته است.

۲-۳-۲. عنصر مادی جرم معاونت

برای این که معاون جرمی را بتوان مجازات کرد ضرورت دارد که او به صورت خاصی که در قانون پیش‌بینی شده است با مجرم اصلی همکاری و مساعدت نماید. این در حالی است که ماده ۱۲۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ مصادیق معاونت را بیان نموده است و در صورتی که مساعدت و همکاری با مجرم اصلی جزء هیچ‌کدام از این مصادیق قرار نگیرد، شخصی که مساعدت و همکاری کرده است به حکم اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود. البته باید گفت که مصادیق معاونت مذکور در ماده ۱۲۶ قانون فوق‌الذکر جملگی فقط شامل عمل و فعل مثبت می‌باشند و از طرف دیگر، در حقوق جزا، خودداری از انجام عمل را نمی‌توان به عنوان معاونت مجازات کرد.

از سوی دیگر، برای آن که معاونت مصداق پیدا کند لازم است که عمل یا اعمالی که در قانون به عنوان مصادیق معاونت عنوان شده است به‌طور کامل انجام گرفته باشد. به عبارت دیگر، معاونت شروع به جرم مجازات دارد لکن شروع به جرم معاونت، مصداق

قانونی برای مجازات پیدا نمی‌کند. وانگهی، با این که اعمال موصوف به معاونت با ارجاع به فعل اصلی جرم شناخته می‌شوند ولی هر یک از این اعمال باید دقیقاً به شیوه مصرح در ماده ۱۲۶ ق.م.ا ارتکاب یابند. ماده مذکور با احصای اعمال معاونت و توصیف نحوه ارتکاب هر یک، برای اعمال مذکور استقلال تام شناخته است، چنانکه می‌توان فعل معاونت را از مشارکت متمایز نمود. البته ممکن است افعالی که نوعی مساعدت و همکاری در ارتکاب جرم تلقی می‌شوند با هیچ‌یک از مصادیق قانونی منطبق نباشند؛ اما در هر صورت در تحقق جرم معاونت، دادگاه باید نوع فعل را در ضمن حکم مشخص کند (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۲).^۱ بنابراین، عناوین مذکور در ماده ۱۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ عبارتند از این که معاون می‌بایست:

الف) دیگری را تحریک به ارتکاب جرم نماید؛ «تحریک» به معنای واداشتن دیگری به ارتکاب جرم به هر شکلی می‌باشد و برای آن که تحریک به ارتکاب جرم بتواند مصداق معاونت تلقی گردد باید اولاً به صورت مستقیم، ثانیاً فردی و ثالثاً مؤثر باشد.

ب) دیگری را ترغیب به ارتکاب جرم نماید؛ «ترغیب» نیز به معنای ایجاد میل و علاقه در دیگری برای انجام دادن کاری است. پس اگر دیگری را به هر شیوه‌ای اعم از تشریح، توصیف و یا تصویر فعل مجرمانه، به ارتکاب آن راغب کند معاون جرم محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که علاوه بر آن که ترغیب، در ماده ۴۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ به عنوان یکی از مصادیق عام معاونت شمرده شده بود، قانونگذار در مورد جرایمی مانند تشویق کردن به فساد یا فحشا (موضوع بند ب ماده ۶۳۹ ق.م.ا تعزیرات) و یا ارتکاب جرایم علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران (موضوع بند ۵ ماده ۶ قانون مطبوعات) به صورت خاص نیز معاونت در جرم پیش‌بینی نموده است.

ج) دیگری را تهدید به ارتکاب جرم نماید؛ «تهدید» آن است که به نوعی دیگری را بترساند و او را بیم دهد که البته در قوانین کیفری همان معنای عرفی آن مراد است و مقصود واداشتن دیگری به ارتکاب جرم است که در تحقق تهدید، نوع فعل تهدیدآمیز

۱. معاونت موضوع ماده ۲۸ ق.م.ا به اموری که در آن ماده مندرج است محقق می‌شود و دادگاه باید مشخص کند که به کدامیک از عناوین نظر داشته است (رای وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۱۱۶۶ مورخ ۱۳۲۵/۹/۴).

- چه تهدید گفتاری و چه نوشتاری - هیچ‌گاه شرط نیست و فقط کافی است شخصی که به زبان‌های مالی یا خطرهای جانی یا ناموسی یا شرافتی تهدید شده است برای رهایی از این نگرانی‌ها به ارتکاب جرم رضایت دهد. بنابراین، در تهدید موضوع ماده ۱۲۶ ق.م.ا، اگرچه فاعل بر خلاف میل باطنی خود دست به ارتکاب جرم زده باشد لکن نباید هیچ‌گاه قصد و اراده از او سلب شده باشد. به اعتقاد یکی از حقوقدانان، تهدیدی که عادتاً قابل تحمل نباشد اگر به حدی برسد که اراده را از فاعل سلب کند اجبار دارد و از مصادیق معاونت خارج شده و در موضوع ماده ۵۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ وارد می‌شود که در این صورت مسؤولیتی متوجه فاعل نخواهد بود و اجبارکننده مسؤول است (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۹).

(د) دیگری را تطمیع به ارتکاب جرم نماید؛ «تطمیع» باید به نحوی باشد که دیگری را به طمع بیاندازد و یا با دادن وعده، امتیاز و ... او را در ارتکاب جرم راسخ کند. لذا در تطمیع، انگیزه ارتکاب جرم، مالی و مادی است و مهم نیست که معاون پیش از ارتکاب جرم به وعده خود وفا کرده یا پس از وقوع جرم از قول خود برگشته باشد. در قوانین خاص کیفری نیز از تطمیع به عنوان یکی از شیوه‌های معاونت در جرم نام برده شده است.

(ه) وسایل ارتکاب جرم را برای مباشر تهیه کند؛ «وسيله» عبارت از هر نوع ابزار و آلات و هر نوع مکانی است که برای ارتکاب جرم ساخته و محیا می‌گردد. البته علم و اطلاع معاون بر این که وسایل مذکور برای ارتکاب جرم استفاده خواهد شد شرط است. همچنین لازم است مباشر، از وسایلی که معاون جرم در اختیار او گذاشته و قرار بوده است برای ارتکاب جرم به کار رود استفاده نموده باشد، خواه این وسایل مؤثر در وقوع جرم بوده یا نبوده باشد. به هر حال، وحدت قصد و توافق ارادی مباشر و معاون جرم، برای ارتکاب جرم با وسیله‌ای است که برای این منظور پیش از عمل یا مقارن آن فراهم شده است. بنابراین اگر مباشر، در ارتکاب جرم از وسیله دیگری غیر از آن وسیله‌ای که معاون جرم برای این منظور تهیه کرده است سود برده باشد فرض می‌شود که توافق نافرجام مانده است. همچنین تهیه وسایل ارتکاب جرم، در مقررات کیفری نیز پیش‌بینی شده است به طوری که قانونگذار در ماده ۵۸۴ ق.م.ا (تعزیرات) بیان می‌دارد: «کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم ... مکانی تهیه کرده و

بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.

و) ارتکاب جرم را به هر طریق ممکن برای مباشر تسهیل کند؛ «تسهیل وقوع جرم» به شرطی معاونت در جرم به شمار می‌رود که عالماً و عامداً باشد. لذا اگر از روی بی‌خبری و عدم آگاهی، اجرای جرمی را تسهیل کرده باشد معاون جرم محسوب نمی‌شود. البته در کمک و مساعدت به مجرم، مفهوم عام آن مدّ نظر است و هر نوع عملی که به نحوی مساعدت به مجرم باشد و وقوع جرم را تسهیل نماید معاونت در جرم تلقی می‌گردد. در اینجا یکی از حقوقدانان معتقد است که تسهیل به شرطی معاونت در جرم به شمار می‌رود که با علم و اطلاع باشد و با اعمال تسهیل‌کننده جرم رابطه مستقیم داشته باشد، بدین معنا که ارتباط عرفی و منطقی بین فعل معاون و جرم موجود باشد. همچنین، تسهیل وقوع جرم با کمک و دستکاری صورت می‌پذیرد و این کمک و دستکاری چنانچه با جرم ارتكابی همزمان باشد گاه تشخیص معاون از مجرم اصلی را با دشواری مواجه می‌سازد (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۹).

۲-۳-۳. عنصر معنوی جرم معاونت

عنصر روانی جرم معاونت، از مفهوم سوءنیت که همان علم و آگاهی معاون به کمک و دستکاری او در اجرای جرم اصلی است جدا نیست و این «آگاهی» در بند ۳ ماده ۴۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ صراحتاً با قید واژه «عالماً» در تسهیل وقوع جرم، در بند ۲ این ماده با وصف «با علم» در تهیه وسایل یا ارائه طریق ارتکاب جرم و در بند ۱ همین ماده تلویحاً در «ترغیب یا تهدید» به ارتکاب جرم شرط شده است.

۳. معاونت در جرم قوادی به عنوان تعدد جرم

همان‌گونه که اشاره شد هرگاه شخص واحد در یک فاصله زمانی مرتکب جرایم متعدد شود ولی به خاطر جرم یا جرایم قبلی، محکومیت قطعی پیدا نکرده باشد تعدد جرم اتفاق افتاده است و با آن که تعدد جرم، دلیل وجود حالت خطرناک و مسؤولیت جزایی بیشتر در مرتکب و لزوم احتیاط در ارفاق و تخفیف مجازات او است به دلیل این که محکومیت تحقیق پیدا نکرده و فرد مجرم تنبیه نشده است او را مشمول تعدد جرم می‌دانیم. بر همین

مبنا قانونگذار در ماده ۱۳۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود».

۳-۱. صور مختلف تعدد جرایم زنان خیابانی

اعمال مجرمانه زنان خیابانی را می‌توان به صورت‌های گوناگونی مشمول تعدد جرم دانست. گاه یک زن یا یک مرد مرتکب افعال متعددی می‌شوند که هر کدام از آنها یک جرم واحد به شمار می‌روند و به عبارتی، افعال مادی را مرتکب می‌شوند که هر یک وصف قانونی مستقلی دارند. در این صورت، با فرض تعدد واقعی روبرو هستیم. اما تعدد جرم دارای فرض دیگری با عنوان تعدد معنوی یا اعتباری نیز می‌باشد که عبارت از این است که کسی فعل واحدی مرتکب شده لکن دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد یا به عبارتی، فعل واحد او مشمول چند توصیف مجرمانه باشد که در ادامه به توضیح بیشتر آنها خواهیم پرداخت.

الف) تعدد مادی یا واقعی جرایم: جرایم متعدد به شرطی که در فواصل ارتکاب آنها هیچ حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد تعدد واقعی را پدید می‌آورد. لذا تشخیص افعال مادی متعدد همیشه آسان نیست؛ زیرا گاه به دلیل پیوند و همبستگی میان افعال مجرمانه این توهم پیش می‌آید که افعال مذکور، جرایم متعدد نبوده بلکه جرم واحد است.

ب) تعدد معنوی یا اعتباری جرایم: مقصود از تعدد معنوی یا اعتباری جرایم، شمول چند وصف جزایی بر فعل واحد است. به عبارت دیگر، گاهی فعل واحد، نقض چندین ماده از قوانین کیفری محسوب می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که جرایم متعددی ارتکاب یافته است. ماده ۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «در مورد تعدد جرم هرگاه جرایم ارتکابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرایم مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می‌گردد و در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علل مشدده کیفر باشد...».

البته نگارنده معتقد است که تعدد معنوی جرایم را به نوعی می‌توان جزء «جرایم

شامل» دانست که در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده و در ماده ۴۷ قانون فوق‌الذکر هم به آن اشاره شده است. همچنین، تبصره ۲ ماده ۱۳۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نیز بیان می‌دارد: «در صورتی که مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد».

در خصوص قواعد مربوط به تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و انواع آن و همچنین مواد قانونی مرتبط با این موضوع یکی از حقوقدانان معتقد است که تعدد جرم به معنای ارتكاب اعمال مجرمانه مختلف است که در قانون، عنوان جزایی خاص و مجازات مستقلی دارد؛ مانند این که یک زن در انظار عمومی بدون حجاب شرعی مرتکب روابط نامشروع غیر از زنا شود که در ماده ۶۳۹ ق.م.ا. (تعزیرات) جرم‌انگاری شده است. لذا تعدد جرایم زنان صور مختلفی دارد که تعدد جرم در حوزه حدود مد نظر این نوشتار می‌باشد و درباره جرایم مستلزم حدود به همین ترتیب عمل می‌شود. به عبارتی، به جای اعمال مجازات اشد، حتی اگر اعمال مجرمانه از یک نوع باشد ولی قربانی آن متعدد باشد، برای هر جرم، یک مجازات مستقل تعیین می‌شود (نجفی توانا؛ نقل از موسوی، ۱۳۹۵، ص ۸۴).

یکی دیگر از حقوقدانان اعتقاد دارد که در قانون جدید مجازات اسلامی تغییراتی ایجاد شده که نشان‌دهنده دقت بیشتر قانونگذار و عینیت‌گرایی ملموس او است. در تبصره ۱ ماده ۱۳۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء خواهد شد»؛ به عبارت دیگر، با وصف ارتكاب چند جرم، شخص مرتکب فقط به یک مجازات محکوم می‌شود. یا در جرایمی از قبیل لواط و زنا، اگر چند مجازات تعیین شود مجازات اشد اعمال می‌شود. ایشان در پایان به قاعده کیفیات مشدده جمع مجازات‌ها اشاره نموده و بیان داشته‌اند که بر اساس تبصره ۲ ماده فوق، «چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود» و تبصره ۳ همین ماده مقرر می‌دارد: «اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند،

۱. جرم شامل عبارت است از این که هرگاه مجموع جرایم ارتكابی در قانون، عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد (ولیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸).

چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود» (نجفی ابرنآبادی؛ نقل از موسوی، ۱۳۹۵، ص ۸۴).

در قانون مجازات اسلامی، جرایم ارتكابی اگر از سه جرم بیشتر باشد در این حالت حداکثر مجازات مقرر برای هر جرم باید توسط دادگاه مورد حکم قرار گیرد ولی در نهایت این مجازات اشد است که برای مجرم در نظر گرفته می‌شود مگر این که این مجازات به علل قانونی ساقط شده یا تقلیل یافته و یا غیر قابل اجرا شود. در غیر این صورت، مجازات اشد بعدی اجرا خواهد شد.

۳-۲. آرای حقوقدانان در خصوص تفکیک تعدد جرایم زنان

حقوقدانان در پذیرش یا رد تعدد اعتباری جرایم زنان عقاید متفاوتی را بیان نموده‌اند. عده‌ای معتقدند که تعدد اعتباری جرایم و تعدد واقعی یکسانند (صانعی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۶۷)؛ بدین معنا که هرگاه رفتار کسی مصداق عناوین متعدد جرم باشد باید مانند کسی که مرتکب جرایم متعدد واقعی شده است با او برخورد کرد. لذا اگر شخصی در یک باغ دیدبانی دهد تا یک زن و مرد عمل زنا انجام دهند به موجب این نظریه، فرد دیدبان باید به معاونت در جرایم زنا، قوادی و دایر کردن محل فساد محکوم گردد. به نظر می‌رسد که این شیوه، با موازین عدل و انصاف چندان مطابقت ندارد؛ زیرا اگر بتوان پذیرفت که تعدد جرم، شدت مجازات را ایجاب می‌کند دشوار می‌توان این حکم را در مورد عمل واحدی که دارای اوصاف متعدد است قبول کرد.

برخی دیگر از حقوقدانان اصولاً وجود تعدد اعتباری جرایم را نفی نموده و معتقدند که فرض تعدد اعتباری، در واقع ناشی از تعارض میان دو یا چند متن قانونی است که دادرس باید با تمسک به قواعد و اصول، یکی از آنها را انتخاب کند (گلدوزیان، ۱۳۷۰، ص ۱۲۰).

البته نگارنده به پیروی از قانونگذار قائل به رد دو نظریه فوق می‌باشد؛ چراکه در قوانین کیفری در قسمت تعزیرات باید تعدد اعتباری جرایم وجود داشته باشد و ما اصولاً در زمینه تعدد جرایم هیچ‌گونه تعارضی در قوانین نداریم و دو اصل تعدد واقعی جرایم و تعدد معنوی، جدای از یکدیگر در قوانین کیفری بیان شده‌اند. لذا به نظر می‌رسد که در تبصره ۲ ماده ۱۳۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ به نوعی «جرم شامل» را جرم‌انگاری نموده است و در نتیجه، فقط در این تبصره ابهام وجود دارد. قانونگذار در ماده فوق‌الذکر بیان داشته است: «در جرایم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که

جرایم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد». لذا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعدد جرایم زنان خیابانی را مشمول تعدد مجازات می‌داند؛ اما آیا در اینجا قانونگذار، تعدد واقعی را مد نظر دارد یا تعدد اعتباری را؟

با کمی تأمل در قانون مجازات اسلامی جدید درمی‌یابیم که هدف مقنن از بیان ماده ۱۳۲ قانون پیش‌گفته، تعدد واقعی جرم بوده است، چنانکه در آرای قضایی نیز تعدد جرایم حدی، تعدد مجازات را دربر دارد. برای نمونه، در شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان کاشان پرونده‌ای مطرح گردیده است که به حکایت مندرجات آن، پیرزنی که در یک خانه‌ای روستایی به تنهایی زندگی می‌کرده است منزل خود را به دانشجویی به نام محمد اجاره می‌دهد. محمد در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۵ ژیل را به عنوان همسرش به همراه خود به خانه پیرزن می‌برد و پیرزن نیز با توجه به شناختی که از محمد داشته است منزل خود را به مدت سه شب در اختیار آنان قرار می‌دهد. پلیس امنیت اخلاقی شهرستان کاشان که به دنبال محمد بوده است از حضور او در منزل پیرزن آگاهی یافته و با هماهنگی مراجع قضایی در یک عملیات غافلگیرانه اقدام به دستگیری محمد، ژیل و پیرزن می‌کند و پرونده را با اتهامات زنای غیر محصنه، روابط نامشروع، آدم‌ربایی و قوادی به دادسرا ارسال می‌دارد. پس از تشکیل جلسات دادرسی، دادستان در کیفرخواست خود با مد نظر قرار دادن تعدد جرایم، اشد مجازات آنها را از دادگاه درخواست می‌کند. قاضی شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان کاشان پس از مطالعه دقیق پرونده، تحقیقات دادسرا را ناقص دانسته و پرونده را برای ادامه تحقیقات به بازپرس مربوطه ارجاع می‌نماید. در تحقیقات تکمیلی بازپرس متوجه می‌شود که آن پیرزن با آگاهی کامل از اتمام تحصیلات محمد منزل خود را در اختیار آنها گذاشته است. در نتیجه، پرونده مجدداً به دادگاه فرستاده شده و قاضی پرونده، با اعتقاد به این که تعدد جرایم در پرونده مطروحه موجب تعدد مجازات است، محمد را به جرایم زنای غیر محصنه و آدم‌ربایی و پیرزن را به معاونت در زنای غیر محصنه و قوادی محکوم می‌نماید.

بنابراین، با کمی تأمل می‌توان دریافت که در جرم زنا، تعدد جرایم موجب تعدد مجازات است؛ چراکه این جرایم باید به‌گونه‌ای مجازات شوند که اهداف کلیه مجازات‌ها در آن رعایت شود و کیفر دادن مجرمین جنبه اربابی داشته و گاهی هم جنبه اخلاقی به خود بگیرد. گاهی نیز این مجازات‌ها فلسفه تربیتی و اصلاحی دارند و بعضی اوقات نیز

قانونگذاران، جنبه نفع اجتماعی مجازات‌ها را در نظر داشته‌اند.

حال که به این نتیجه رسیدیم که تعدد جرایم حدی، تعدد مجازات را دربر دارد لذا مجازات اشد قرار دادن برای محکومین، امر پسندیده‌ای نیست و اگرچه مجازات اشد، اهداف مجازات را تأمین می‌کند^۱ اما مخالف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد. بنابراین، اگر بخواهیم اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را رعایت کنیم این ابهام به وجود می‌آید که قوانین مطروحه در مبحث تعدد جرایم تحت کدام موضوع قابل طرح است؟!^۲

از سوی دیگر مشاهده می‌شود که تعدد اعتباری جرایم، در جرایم تعزیری پذیرفته شده است، چنانکه قانونگذار در ماده ۱۳۱ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود». از تحلیل این ماده چند نتیجه مهم به دست می‌آید:

اولاً، حکم مندرج در این ماده ناظر به جرایم تعزیری است و همان‌گونه که در ماده ۱۳۲ همین قانون ذکر گردیده، حکم تعدد مجازات در جرایم حدود به ابواب خود ارجاع داده شده است و قانونگذار در این باره قائل به تعدد مادی و جمع مجازات‌ها می‌باشد. رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز حکایت از این دارد که اگر فعل واحد دارای دو عنوان مجرمانه که یکی مستلزم قصاص و دیگری مستلزم دیه باشد بزهکار به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.^۳ نمونه دیگر، جمع اجرای مقررات حدود و تعزیرات است که در تبصره ذیل همین ماده نیز مقرر گردیده است. لذا چنانکه گفته شد، مجازات اشد مندرج در ماده ۱۳۱ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ فقط در مورد تعدد واقعی جرایم تعزیری صادق است.

ثانیاً، در جرایم متعدد تعزیری گاه جرمی از جرم دیگر جدایی‌ناپذیر و از لوازم آن محسوب می‌شود. در این حالت نمی‌توان قواعد تعدد را به‌طور کلی جاری دانست. مثلاً

۱. علم کیفرشناسی، اهداف مجازات را در جنبه ارعابی و اخلاقی و اصلاحی مجازات می‌داند (صلاحی، ۱۳۵۰، ص ۵۰).

۲. برخی نیز معتقدند که تعدد جرایم در تعدد واقعی و تعدد معنوی خلاصه می‌گردد (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۲۰).

۳. در رأی وحدت رویه شماره ۱۲۰۷۹ مورخ ۱۳۶۵/۵/۲۵ آمده است: «اقدام به چاقوکنی از مصادیق جرایم علیه نظم و آسایش عمومی مصوب ۱۳۳۶ باشد در این صورت تعیین مجازات با این عنوان بلااشکال خواهد بود» (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۲۰).

چنانچه زنی بدون حجاب شرعی در اماکن و انظار عمومی تظاهر به عمل حرامی نماید مطابق ماده ۶۳۸ ق.م.ا (تعزیرات) قابل تعقیب و مجازات است.^۱ به نظر می‌رسد که ظاهر شدن زن بدون حجاب شرعی و مرتکب عمل حرام شدن، هر دو مستلزم خیابانی شدن زن می‌باشد. لذا دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۱۸۶ مورخ ۱۳۴۴/۱۰/۲۴ صراحتاً چنین بیان داشته است که «هرچند فرجام‌خواه اعتراض خاصی نکرده باشد ولی اشکالی که به حکم فرجام‌خواسته وارد به نظر می‌رسد این است که دادگاه مواد مکشوفه را جزئی تشخیص داده و عرفاً از لوازم استعمال محسوب کرده و بزه ارتكابی را جداگانه تشخیص داده و با رعایت قواعد تعدد تعیین مجازات نموده است».^۲

ثالثاً، فرض تعدد اعتباری، در غیر از جرایم تعزیری متصور است. مثلاً زناي مرد غیر محصن با محارم نسبی واجد دو وصف می‌باشد که یکی زناي غیر محصن و حد آن صد تازیانه است^۳ و دیگری، زناي با محارم نسبی و حد آن قتل می‌باشد.

همچنین ماده ۲۲۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در موارد مشخصی، حد زنا را قتل دانسته و فرقی بین جوان، محصن و غیر محصن قائل نشده است.^۴

این در حال است که در اجرای احکام کیفری اسلام، نظر به جمع مادی مجازات‌ها داده شده است. لذا فرض مذکور، از قاعده مندرج در ماده ۱۳۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ تبعیت نمی‌کند.

۴. ارتباط میان قوادی و معاونت در جرایم جنسی زنان خیابانی

از آنجا که سهولت ارتکاب جرم با اجتماع چند نفر امری انکارناپذیر است در نتیجه، قانونگذار «معاونت» را جرم تلقی کرده و صراحتاً در ماده ۱۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ آن را

۱. ماده ۶۳۸ ق.م.ا (تعزیرات) بیان می‌دارد: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد...» و این در حالی است که ظاهر شدن بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی به موجب تبصره همین ماده جرم‌انگاری شده است.

۲. در این رأی وحدت رویه صراحتاً به بیان این موضوع پرداخته شده است که «اخفای مواد افیونی به مقدار جزئی عرفاً از لوازم استعمال محسوب و بزه جداگانه نیست و تعیین مجازات با رعایت قواعد تعدد قانونی نمی‌باشد» (متن، ۱۳۸۱، ص ۹۳).

۳. ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «حد زناي زن یا مردی که واجد شرایط احصان نباشند صد تازیانه است».

۴. ماده ۲۲۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «حد زنا در موارد زیر اعدام است: الف- زنا با محارم نسبی ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است. پ- زناي مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است. ت- زناي به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است...».

احصا نموده است.^۱ اما باید بررسی کرد که آیا در جرایم جنسی زنان خیابانی، بزه ارتكابی تحت عنوان قوادی، در زمره «معاونت در جرم» قرار می‌گیرد یا تحت عنوان مستقل جزایی «قوادی» جرم‌انگاری شده است؟!

۴-۱. قوادی به عنوان معاونت در جرم

این رویکرد معتقد است که بزه ارتكابی فوق ماهیت «معاونت در جرم» را دارد و این تصور از آنجا ناشی می‌شود که به زعم طرفداران این ادعا، «قوادی» معاونت بر ارتكاب اعمال منافی عفت است. اما با تأمل در ماهیت قوادی و دقت در شروط تحقق جرم معاونت، این ادعا به دلایلی رد می‌شود؛ زیرا اولاً، مطابق تبصره ماده ۱۲۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲، معاونت هنگامی تحقق می‌یابد که موجب وقوع جرم گردد. بنابراین، معاونت در جرایم با وجود فعل اصلی قابل مجازات است و به عبارت دیگر، مباشر جرم تمام مراحل مقدماتی را پشت سر گذاشته و حداقل جرم را شروع کرده باشد. ثانیاً، احکام شرعی بر اساس ملاک و به جهت مصلحت و مفسده واقعی وضع شده‌اند و قبول این که قوادی نوعی معاونت در جرایم محسوب می‌شود عقلایی نخواهد بود.

۴-۲. قوادی به عنوان یک جرم مستقل

این دیدگاه معتقد است که بزه ارتكابی فوق دارای ماهیت مستقل و تحت عنوان «قوادی» می‌باشد و این تصور نیز از آنجا ناشی می‌شود که تمامی فقهای امامیه به استناد روایت عبدالسنان^۲ آن را ذاتاً حرام و مستوجب کیفر می‌دانند و همچنان که تعیین حد شرعی برای قیادت - با در نظر داشتن این که به ارتكاب منجر شود یا نشود - دال بر این امر است که قوادی محقق شده است، لذا قانونگذار صراحتاً بزه ارتكابی را قوادی تلقی کرده و

۱. ماده ۱۲۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «شخص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتكاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد. ب- هرکس وسایل ارتكاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتكاب جرم را به مرتکب ارائه دهد. پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند. تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود».

۲. شخصی نزد حضرت امام صادق (ع) رفت و گفت که زنی واسطه زنا بین دو نفر شده است. سپس حضرت فرمودند که جدم رسول خدا لعنت فرمود شخصی را که واسطه بین دو نفر در جهت زنا گردد(حر عاملی، ۱۳۴۶، ج ۱۴، باب ۲۷، ص ۲۶۶).

در مواد ۲۴۲ و ۲۴۳ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ آن را جرم‌انگاری نموده است. ماده ۲۴۲ قانون مذکور مقرر داشته است: «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است» و ماده ۲۴۳ همین قانون بیان می‌دارد: «حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است».

۵. ارتباط میان قوادی و شروع به جرم

قانونگذار در ماده ۱۲۲ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲، «شروع به اجرا» و «معلق ماندن قصد به واسطه عامل خارج از اراده» را به عنوان دو رکن برای شروع به جرم ذکر نموده و بیان داشته است که، «هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود...» و در ماده ۱۲۴ همین قانون نیز آورده است: «هرگاه کسی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم، تعقیب نمی‌شود لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می‌شود».^۱ از بیان قانونگذار چنین استفاده می‌شود که نفس شروع به جرم، وصف مجرمانه ندارد مگر این که اعمال مقدماتی ارتکاب جرم، عنوان مستقل جزایی داشته یا برای شروع به جرم خاصی در قانون، مجازات تعیین شده باشد. از نظر علمی نیز در مورد شروع به جرم سه نظریه وجود دارد:

(الف) نظریه عینی: بر اساس این نظریه، شروع از زمانی است که فاعل، یکی از کارهایی را که در تعریف قانونی جرم گنجانده شده و در واقع جزئی از آن است انجام دهد. ایراد مهم این نظریه آن است که در این صورت، دفاع اجتماعی در برابر مجرم و پدیده‌های جنایی تا حد بسیار زیادی کاهش می‌یابد و آن گونه که بایسته است مجرم به کیفر نمی‌رسد.

(ب) نظریه ذهنی: مطابق این نظریه، اقدام به انجام اموری که به طور یقینی بیانگر اراده و تصمیم قطعی مرتکب بر ارتکاب جرم باشد شروع نامیده می‌شود؛ لکن چون تشخیص

۱. ماده ۴۱ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۰ نیز بیان می‌داشت: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می‌شود».

آن دشوار است لذا احتمال ابهام و اشتباه در آن زیاد می‌باشد. (ج) نظریه ترکیبی (ذهنی و عینی): بر اساس این نظریه، انجام عملی که مستقیماً منتج به وقوع جرم شود شروع به جرم محسوب می‌شود؛ مثلاً اگر شخصی، در نشانه گرفتن و شلیک کردن به انسان دیگری به قصد کشتن او قهراً ناکام بماند شروع به جرم قتل خوانده می‌شود و این نظریه مورد پذیرش قانونگذار جزایی ایران قرار گرفته است. بنابراین، در رابطه با جرم قوادی، شروع به جرم به‌ویژه در اشکال جدید آن کاملاً متصور است. لذا مرحله شروع، یکی از مراحل و مراتب ارتکاب این جرم می‌باشد.^۱

۶. نظریات جرم‌شناسان در خصوص مجازات زنان خیابانی

برخی از نظریه‌پردازان نظیر پولاک، در تبیین آمار جرایم ارتكابی از سوی مرتکبان بر این اعتقادند که در آمارهای رسمی، میزان ارتکاب جرایم جنسی زنان کمتر از آنچه واقعیت دارد نشان داده می‌شود و این امر از عملکرد مقامات رسمی مانند افسران پلیس و قضات محاکم ناشی می‌شود. پولاک معتقد است که زنان همان‌قدر مرتکب جرم می‌شوند که مردان مرتکب جرم می‌شوند اما جرایم زنان اغلب گزارش نمی‌شود و در نتیجه، جرایم آنان به دلیل دشواریابی نسبی‌شان پوشیده می‌ماند (دانش، ۱۳۸۰، ص ۵۱).

با این همه، بررسی‌های انجام گرفته در گذشته، این ادعای پولاک را با تردید مواجه ساخته است. /سمارت معتقد است که جرم‌شناسی سنتی، برای جرایم زنان توصیه‌های مناسبی ارائه نکرده است. در حقیقت، جرم‌شناسی سنتی، بر پیش‌داوری مردان مبتنی است، بدین صورت که مبتکر و همچنین موضوع آن مردان هستند. به اعتقاد /سمارت، یکی از عوامل جرایم زنان را می‌توان جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی و اشکال تسلط مردان بر جامعه دانست. به عقیده وی، یکی از جنبه‌های فوق‌العاده مهم جامعه‌پذیری دختران، محدودیت‌هایی است که بر آزادی عمل و رفت و آمد آنان وارد است. توانایی دختران برای ارتکاب جرم به‌طور ساختاری محدود شده است. آنها به ساختارهای فرصت‌های نامشروع یا فرصت شاهد بودن یاد گرفتن و درگیر شدن در بزهکاری دسترسی ندارند (موسوی، ۱۳۹۵، صص ۶۲-۵۶).

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: نوربها، ۱۳۹۰، صص ۲۲۳-۲۱۹.

کانت معتقد است که انسان موجودی است آزاد و مختار و بر مبنای اراده مطلق مرتکب جرم می‌شود. بنابراین، تمام مسؤولیت اخلاقی ارتکاب جرم بر عهده انسان می‌باشد. لذا ارتکاب جرایم بیشتر ناشی از نقض قواعد و مرزهای اخلاقی است و بر همین مبنا، ضرورت اعمال مجازات نیز وجود دارد و به عبارتی، توجیه‌کننده مجازات برای نفع اجتماعی است نه نفع فردی و مجرم به جهت این که نظم اخلاقی را برهم زده است مجازات می‌شود. بنابراین، اندیشه‌های کانت در سه رویکرد عملی در مورد مجازات مورد بحث واقع می‌شود:

۱- مجازات، شکنجه و عذابی است که به منظور اجرای عدالت و احیای نظم اخلاقی تحمیل می‌گردد.

۲- مجازات، ابزار جامعه برای حمایت از خود نیست بلکه ابزار جوامع انسانی برای تحقق مأموریت ذاتی در گسترش اخلاق در جهان است.

۳- در میزان مجازات باید شدت، اهمیت و میزان صدمه و احوال بزه‌دیده در تعیین مجازات مورد تأثیر قرار داده شود و صرفاً به ظاهر عمل ارتكابی توجه نکرد.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: موسوی، ۱۳۹۵، صص ۶۲-۵۶.

نتیجه

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که میان معاونت زنان خیابانی در جرایم جنسی و قوادی رابطه وجود دارد و در این خصوص حقوقدانان نظرات متعددی ارائه داشته‌اند. گروهی معتقدند که بزه ارتكابی همان قوادی است لکن ماهیت آن معاونت در جرم می‌باشد. این تصور از آنجا ناشی می‌شود که به زعم طرفداران این ادعا، قوادی معاونت بر ارتكاب اعمال منافی عفت است. اما با تأمل در ماهیت قوادی و دقت در شروط تحقق جرم معاونت، این ادعا به دلایلی رد می‌شود؛ زیرا اولاً مطابق قانون مجازات اسلامی، معاونت هنگامی تحقق می‌یابد که موجب وقوع جرم گردد. بنابراین، معاونت در جرایم با وجود فعل اصلی قابل مجازات است. به عبارت دیگر، مباشر جرم تمام مراحل مقدماتی را پشت سر گذاشته یا حداقل جرم را شروع کرده باشد. ثانیاً، احکام شرعی بر اساس ملاک و به جهت مصلحت و مفسده واقعی وضع شده‌اند و قبول این که قوادی، معاونت در جرم محسوب شود عقلائی نخواهد بود.

عده دیگری از حقوقدانان معتقدند که ماهیت بزه ارتكابی، قوادی به عنوان یک جرم مستقل است بدون آن که معاونت در جرم باشد و این تصور از آنجا ناشی می‌شود که تمامی فقهای امامیه به استناد روایت عبدالسنان آن را ذاتاً حرام و مستوجب کیفر می‌دانند. لذا قانونگذار صراحتاً بزه ارتكابی را قوادی تلقی کرده و در ماده ۲۴۳ و ۲۴۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ آن جرم‌انگاری نموده است. مطابق ماده ۲۴۲ ق.م.ا، «قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است» و طبق ماده ۲۴۳ ق.م.ا، «حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است».

نگارنده نیز همسو با نظر حقوقدانان گروه نخست، معتقد است که قوادی یک جرم مستقل نیست؛ لذا می‌توان آن را به نوعی معاونت در جرایم علیه عفت عمومی تلقی نمود، همان‌گونه که بین این دو مبحث رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد و این رابطه به نوعی دست قانونگذار را باز گذاشته است تا بتواند در جهت قبح عمل از تشدید مجازات استفاده نموده و از وقوع این جرایم پیشگیری کند.

فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود؛ اثبات جرایم منافی عفت، میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، میزان، تهران، ۱۳۸۹.
۳. خمینی، روح‌الله؛ تحریر الوسیله، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، دارالعلم، چاپ اول، قم، ۱۳۷۰.
۴. دانش، تاج‌الزمان؛ مجرم کیست جرم‌شناسی چیست؟، نشر کیهان، چاپ دهم، ۱۳۸۰.
۵. شامبیاتی، هوشنگ؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۶. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، طرح نو، تهران، ۱۳۸۸.
۷. صلاحی، جاوید؛ کیفرشناسی، میزان، چاپ اول، ۱۳۵۰.
۸. عاملی (حر عاملی)، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱۴ (کتاب النکاح)، باب ۲۷، انتشارات نهانندی، ۱۳۴۶ش.
۹. گلدوزیان، ایرج؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
۱۰. متین، احمد؛ مجموعه رویه‌های قضایی، نشر کیهان، ۱۳۸۱.
۱۱. مکی عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال‌الدین؛ المعه‌الدمشقیه فی فقه الامامیه، ترجمه علی شیروانی، جلد دوم، انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۷۳ش.
۱۲. موسوی، سید پیمان؛ معاونت زنان خیابانی در جرایم جنسی و نسبت آن با قوادی با محوریت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ۱۳۹۵.
۱۳. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اشخاص، جلد دوم، میزان، تهران، ۱۳۸۷.
۱۴. نوربها، رضا؛ حقوق جزای عمومی، گنج‌دانش، تهران، ۱۳۹۰.
۱۵. نوری (محدث نوری)، حسین بن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد چهاردهم، انتشارات آل‌البیت، قم، ۱۳۶۸.
۱۶. ولیدی، محمدصالح؛ جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰.

**Abetting of Prostitutes in Sexual Crimes and it's Relationship with
Pandering with Respect to the Islamic Criminal Code 2014**

Mahmoud Ghayyoumzādeh*

Seyyed Peymān Mousavi Mogoui**

Received: 13/03/2017

Accepted: 17/06/2017

Abstract:

Offence of pandering is one of the offences that has direct connection to destruction of public morals and it also causes commission of several offences. Accordingly, recognizing the grounds of its commission and preparing for its removing is of high significant. One of the main and basic grounds of this offence is street girls. In this regard it is of high importance to study the phenomenon of street women and their relationship to offence of pandering. This offence may facilitate the commission of several crimes. This article deals with the street women and their activities as facilitator for commission of the offence of pandering and its related social abnormalities. The exploring of these activities will be answering to this question whether their activities may be regarded as the offence of pandering. It also is necessary to study whether basically this offence itself is a separate offence from the other ones. The study must clarify the ambiguities.

Key words: Women sexual crimes, Abetting, Pandering, Prostitutes.

*Professor at Sāveh Branch of Islamic Azād University.

maarefteacher@yahoo.com

**M.A in Criminal Law and Criminology at Sāveh Branch of Islamic Azād University.

peyman.mosavi95@gmail.com